



Download & Combine

By:

کتابخانه الکترونیکی PNUEB

پیام نوری ها بشتابید

مزایای عضویت در کتابخانه PNUEB:

دانلود رایگان و نامحدود خلاصه درس و جزوه

دانلود رایگان و نامحدود حل المسائل و راهنما

دانلود کتابچه نمونه سوالات دروس مختلف

پیام نور با جواب

WWW.PNUEB.COM

کتابچه نمونه سوالات چیست:

سایت ما **افتخار** دارد برای اولین بار در ایران توانسته است کتابچه نمونه سوالات تمام دروس پیام نور که هر یک حاوی تمامی آزمون های برگزار شده پیام نور (تمامی نیمسالهای موجود **حتی الامکان با جواب**) را در یک فایل به نام کتابچه جمع آوری کند و هر ترم نیز آن را آپدیت نماید.

مراحل ساخت یک کتابچه نمونه سوال

(برای آشنایی با زحمت بسیار زیاد تولید آن در هر ترم):

دسته بندی فایلها - سرچ بر اساس کد درس - پسابندن سوال و جواب - پیدا کردن یک درس در نیمسالهای

مقتلف و پسابندن به کتابچه همان درس - پسابندن نیمسالهای مقتلف یک درس به یکدیگر - وارد کردن

اطلاعات تک تک نیمسالها در سایت - آپلود کتابچه و فیلد موارد دیگر..

همچنین با توجه به تغییرات کدهای درسی دانشگاه استثنائات زیادی در سافت کتابچه بوجود می

آید که کار سافت کتابچه را بسیار پیچیده می کند .

WWW.PNUEB.COM

A	
Abandons	واگذاری، اعراض کردن
Abatement	کاهش
Abets	معاونت کردن
Abetting	مشارکت
Abettors	شریکان
Ability	توانایی
Able	قادر بودن، توانایی
Abnormality of mind	اختلال روانی
Abolished	نسخ
Abolition	لغو
Above	بالا
Absolute	مطلق
Abtaining property by deception	
Abusive	توهین آمیز، بد زبان
Abviously	وضوح
Accessories	معاونان
Accident	حادثه
Accompanied	همراه بودن
Accordance	هماهنگی
According	مطابقت دادن، وفق دادن
Account	اقامه دلیل کردن
Account	در نظر گرفتن
Account	در نظر گرفتن
Account	در نظر گرفتن، اقامه دلیل کردن
Accurate	دقیق بودن
Achieving	دست یافتن
Acknowledging	تأیید
Acknowledging	مورد توجه قرار دادن
Acquittal	تبرئه
Act	قانون
Act	مصوب
Act	مصوب
Acting	عامل
Acting in the prevention of crime	
Actions	اعمال

Activity	فعالیت
Actual	واقعی
Addition	علاوه بر
Additional burdens	بار مسئولیت اضافی
Addresses	شناسایی
Adopt	اتخاذ
Adopted	انتخاب
Adopted	پذیرفتن، اتخاذ کردن
Adult	بزرگسال
Adult offenders	مجرمین بزرگسال
Adult prison	زندان بزرگسالان
Advances	پیشرفت ها
Advice	مشاوره
Against	بر خلاف
Agency	نماینده گی
Aggravated	شدیدتر
Aggravated criminal damage	
Aggravating	مشده
Aggressive	پرخاشگرانه
Aiding	معاونت
Aids	کمک کردن
Aimed	هدف
Aims	اهداف
Aims	هدف
Albeit	اگر چه
Albeit	اگر چه
All wing	همه بخشها
Allow	اجازه دادن
Allowed	اجازه دادن
Already	قبلا
Alternatively	راه دیگر اینکه
Ambiguous	مبهم
Amended	اصلاح شده
Amongst	در میان
Amount	منتهی، منجر شدن

Amount	منجر شدن
Announce	اعلام کردن، خبر دادن
Another	دیگری
Anti- Social	ضد اجتماعی
Anticipated victim	قربانی مورد نظر
Appear	به نظر می رسد
Appear	به نظر می رسد
Appears	به نظر رسیدن
Application	اعمال
Application	کار برد
Applies	اعمال شدن
Apply	اعمال
Applying	اعمال شدن - برقرار شدن
Appreciable interval	فاصله محسوس
Appreciating	ارزیابی
Approach	دیدگاه
Approach	دیدگاه
Approach	دیدگاه
Approach	روش
Approached	وارد شدن
Appropriate	بهبترین
Appropriate	متناسب
Appropriate	مقتضی
Appropriate	مناسب
Appropriate	مناسب
Appropriate	مناسب
Appropriates	مناسب
Appropriation	
Appropriation	تصاحب
Approximately	تقریبی
Approaches	شیوه ها
Archaic	منسوخ
Area	زمینه
Area	قلمرو
Arguably	قابل بحث

Argue	استدلال
Argue	استدلال
Argues	استدلال
Arguing	استدلال
Arguing	استدلال
Argument	بحث، استدلال
Arguments against	
Arguments for	
Arise	روی دادن - رخ دادن
Arm	بازو
Armed robber	سارق مسلح
Arrested	متوقف شدن
Arson	ایجاد حریق عمدی
Arterioclerosis	تصلب شراین
Aspects	جنبه
Assault	
Assault	تجاوز
Assault	تجاوز
Assault occasioning actualbodily harm	
Assaulting	حمله
Assaulting	حمله
Assaults	تهدید به حمله
Assessment	ارزیابی
Assets	دارایی
Assistance	کمک
Assistance	معاونت
Assisting	کمک
Association	پیوستگی
Assumed	تصرف کند
Assumes	فرض کردن
Assumption	فرض، وضع ید
At liast	حد اقل
Atributed	نسبت داده می شود
Attempt	
Attempt	شروع به جرم
Attempt	تلاش
Attempt	شروع به جرم

Attempted	شروع
Attempted	شروع به جرم
Attempts	اقدامات
Attention	توجه
Attention	توجه
Attorney generals	دادستان کل
Attract	جذب کردن
Attract	موجب شدن - جذب کردن
Authorities	مقامات
Authority	اختیار
Automation	ماشینی
Automatism	مسلوب الارادگی
Automatism	مسلوب الارادگی ، فقدان قصد
Automaton	انسان بی اراده
Available	در دسترس ، مفید
Available	موجود
Avoid	اجتناب
Avoid	اجتناب
Avoid	اجتناب
Avoid	اجتناب - فرار
Avoid liability	سلب مسئولیت
Avoid	اجتناب - فرار
Aware	آگاه
Aware	آگاه
Aware	آگاه
Back	دفاع ، پاسخ
Barbers	آرایشگاه
Based	مبنی بر
Basic intent	قصد عام
Basis	مبنا
Battery	ایراد ضرب و جرح
Be held	تصور شدن
Becomes	شدن
Behaviour	رفتار
Behind	پشت

Belief	اعتقاد
Belief	تصور ، اعتقاد
Believed	عقیده داشتن
Belived	معتقد
Belonging	متعلق
Belonging	متعلق
Belonging to another	
Below	پائین تر
Beneficiaries	تراست
Benefit	منفعت
Benefit	منفعت
Between	بین
Beyond	فرا تر
Bill	لایحه
Bills	صورت حساب
Birth	تولد
Bizarrely	شگفت آور
Black out	بیهوشی
Blam worthy manner	رفتار قابل سرزنش
Blameless in advertence	سهو بی تقصیر
Blasphemous	کفر آلود
Blow	ضربه زدن
Bodily	بدنی
Bodily	بدنی
Bodily	جسمی
Bona fide	صادقانه
Bona fide medical	درمان پزشکی صادقانه
Born	متولد
Borrowing	قرض گرفتن
Borrows	قرض گرفتن
Both	هر دو
Brain death	مرگ مغزی
Brief	کوتاه
Bringing	ایجاد کردن
Broadest	بسیار وسیع

Broken	بریدن
Building	ساختمان
Burglary	
Burglary	ورود غیر مجاز
Burglary	ورود غیر مجاز به ملک دیگری
But for	مگر به خاطر
By contrast	در مقایسه
Called	نامیدن
Capable	قادر
Capable	قادر
Care	مراقبت
Carelessness	بی احتیاطی
Carried	واقع شدن
Carrying	انجام
Case	وضع، مورد
Cash	نقدینگی
Cashier	صندوق دار
Categorization	رده بندی
Cathartic	اصلاح کننده ای
Caught	حصول
Causation	علیت
Causative	سببی
Cause	دلیل
Caused	باعث شدن
Causing	سبب
Cautiously	محتاطانه
Central	اصلی
Certain	مسلّم
Certainly	یقیناً
Certainty	
Chain	زنجیره ای
Chain of causation	سلسله علیت
Character	شخصیت
Characteristic	ویژگیها
Charge	اتهام
Charge	اتهام

Cheaper	ارزان تر
Circular	دایره وار، دوری
Circumstances	اوضاع واحوال
Civil	مدنی
Claiming	ادعا
Clarity	وضوح
Clause	بند
Clear	روشن
Closely related	ارتباط نزدیک
Collective	جمعی
Collision	برخورد
Combined	ترکیب شدن
Commensurate	متناسب
Commercial	تجاری
Commission	ارتکاب
Commission	ارتکاب
Commission	ارتکاب
Commit	ارتکاب
Commite	مرتکب
Committing	ارتکاب
Common	عادی
Common	عادی
Common	مشترک
Common Assault	
Community sentences	
Compensate	خسارت
Complete	کامل
Complex	پیچیده
Complexities	پیچیدگی ها
Complexity	پیچیدگی ها
Complications	پیچیدگی ها
Comply	تبعیت کردن
Comprehensive	جامع
Compulsion	اجبار
Concentrat	متمرکز شدن
Concern	مربوط

Concern	نگرانی
Concerned	مربوط
Concerning	درباره
Concerns	نگرانی ها
Conclusion	
Condition	شرایط
Condition	شرایط
Conduct	اقدام ، رفتار
Conduct crimes	جرائم رفتاری
Conducting	مدیریت ، هدایت
Conferring	اعطا کردن
Confidence	اعتماد
Confirmed	مسلم - محرز
Confiscate	مصادره
Conflict	محدود کردن
Confrontation	مواجهه
Confusing	مغشوش
Confusions	اشتباهات
Connected	ارتباط
Conscious	آگاهی
Consequence	نتیجه
Consent	رضایت
Consent	رضایت
Consent	رضایت
Consent	رضایت
Consent of the victim	
Consider	مورد توجه قرار دادن
Considerable	قابل توجه
Considerable	قابل توجه ، کامل
Considerably	قابل ملاحظه
Consideration	ملاحظه
Considered	تأمل
Considered	ملاحظه کردن
Considered	مورد ملاحظه قرار دادن
Considering	بررسی
Consistency	انسجام

Consolidating	تثبیت کننده
Conspiracy	
Conspiracy	توطئه
Conspirator	توطئه گر
Constitutes	تشکیل دادن
Constitutes	متشکل از
Constructive	اعتباری
Constructive	اعتباری
Constructive	اعتباری
Constructive	اعتباری
Consulation	رایزنیها
Consultation	مشاوره ، رایزنی
Consume	خوردن
Consumption	مصرف
Contact	برخورد
Contact	برخورد
Contain	در بر گرفتن
Containing	شامل
Contemplated	مورد نظر
Context	زمینه
Context	زمینه
Context	زمینه
Context	زمینه ها
Contexts	زمینه
Continuing	دائمی ، مستمر
Continuing offences	جرائم مستمر
Contractual	قراردادی
Contrary	بر خلاف
Contrast	مقایسه
Contrast	مقایسه
Contribution	کمک کردن - شرکت کردن
Contribution	مشارکت
Controversial	بحث برانگیز
Convict	محکوم کردن
Convicted	محکومیت

Conviction	محکومیت
Copyright	حق تألیف
Corporate	مشترک
Correct	صحیح
Costs	هزینه ها
Costs	هزینه ها
Costs	هزینه ها
Counselling	مشورت
Counsels	مشورت کردن
Course	جریان
Court	دادگاه
Court	دادگاه
Courts	دادگاه ها
Covered	مشمول
Covers	در بر می گیرد
Creat	ایجاد کردن
Creates	ایجاد کردن
Creditor	طلبکار
Criditor	طلبکار
Criminal activity	اقدام جنایی
Criminal Damage	
Criminal damage	خسارت جزایی
Criminal damage	خسارت جزایی
Criminal gang	دسته جنایتکاران
Criminal Justice	عدالت کیفری
Criminal justice sistem	
Criminal justice sistem	سیستم دادرسی کیفری
Criticised	انتقاد کردن
Criticism	نقدها
Criticisms	نقدها
Criticisms and Reforms	
Cultivated	زراعت
Current practice	رویه جاری
Current Sentencing	محکومیت های رایج
Custodial sentences	
Custody	بازداشت

Custody	حبس
Custody	حفاظت
Custom	عادت
Customer	مشتری
Damage	خسارت
Danger	خطر
Danger	خطر
Dangerous	خطرناک
Dead	مرده
Deal	ارتباط
Deal	رسیدگی
Dealing	در مورد
Dealing	معامله
Deals	اقدام ، معامله
Deals	بحث کردن
Debt	بدهی
Debt	بدهی
Deceived	به اشتباه افتادن
Deceiver	فریب دهنده
Decency	عفت عمومی
Deception	خدعه ، فریب
Deception	فریب ، خدعه
Decide	تصمیم گیری
Decided	مشخص
Deciding	تعیین
Deciding	تعیین
Deciding	تعیین
Deciding	تکلیف
Deciding	حکم کردن
Decision	تصمیم
Decisions	تصمیمات
Decisive	تعیین کننده
Declined	کاهش یافتن
Default	قصور ، نکول
Defect of reason	نقص عقلی

Defect of reason	نقص عقلی
Defence	دفاع
Defence	دفاع
Defences	دفاعیات
Defendant	متهم
Defendant	متهم
Definition	تعریف
Definition	تعریف
Degree	درجه
Degree	میزان
Delayed	به تأخیر انداختن
Deliberat	مورد تمایل
Deliberate	عمدی
Deliberate or reckless deception	
Delusions	توهمات
Depart	عدول کردن
Deprive	محروم کردن
Deprived	محروم بودن
Deserve	سزاوار بودن
Deserves	سزاوار بودن
Deserving	سزاوار بودن
Designed	طراحی شدن
Desirability	مطلوبیت
Desirable	مطلوب
Desire	تمایل
Despit	به رغم
Destroy	تخریب
Destroys	از بین بردن
Destruction	هلاک
Detection	کشف
Detention	بازداشت
Detention	توقیف
Detention	توقیف، نگهداری
Deter	بازداشتن، ترساندن
Deter	جلوگیری، ترساندن

Deterioration	بدتر شدن
Deterrence	
Deterrent	بازدارندگی
Developed	توسعه
Developed	توسعه دادن
Developed	گسترش یافتن
Dicta	اظهار و نظر قضایی
Difference	تفاوت
Differences	اختلافات
Differently	متفاوت
Difficulties	مشکلات
Dilemma	وضع دشوار
Diminished	مخدوش
Diminished responsibility	
Direct	مستقیم
Direct	مستقیم
Direct inten	قصد مستقیم
Directed	رهنمون شدن، مستقیم
Discharges	تبرئه
Discomfort	ناراحتی، رنج
Discount	تخفیف
Discourage	جلوگیری
Discourage	جلوگیری
Discourage	جلوگیری
Discovered	دریافت کردن
Discretion	اختیار
Discretion	تصمیم گیری
Discretion	صلاحدید
Discretion	نظر - تدبیر
Discuss	بحث کردن
Discuss	بحث کردن
Discussed	بحث شد
Disease	بیماری
Disease	بیماری
Diseases	بیماری ها
Diseases of mind	بیماری روانی

Dishonest	نا درست ، تقلب آمیز ، غیر مجاز
Dishonesty	
Disigned	تعیین شده
Disirable	مطلوب
Disorder	بی نظمی
Disorder	بی نظمی
Disorders	ناهنجاری ها
Displaced	قابل تغییر
Disposal	از دست دادن
Dispose	مستعد کردن ، آماده کردن
Disrepute	بی اعتبار
Dissenting	نظر مخالف
Distinction	تمایز
Distinction	تمایز
Distinction	تمایز ، تفاوت
Distinguish	تمایز
Distinguish	تمایز
Distress	پریشانی
Disturbed	مزاحم شدن
Doli incapax	توانایی تشخیص خوب از بد
Domestic	خانواده
Downstairs	طبقه پایین
Draft Bill	پیش نویس لایحه
Draft bill	لایحه قانونی
Draw	کشیدن
Drew	قائل شدن ، کشیدن
Drown	غرق شدن
Drug	دارو
Drugs offences	جرایم مواد مخدر
Dud cheque	چک بدون محل
Due	به خاطر
Due	به خاطر
Due diligence	کوشش پیوسته مقتضی
Duress	اکراه
DuressL	
Dutch courage	شجاعت

Duty	وظیفه
Duty	وظیفه
Dwelling	مسکن
Dwelling	مسکن
Dying	مرگ
Earlier	پیشین
Earlier	قبلا
Earliest	اولین فرصت
Education system	سیستم آموزش
Effect	اعمال شدن
Effecting	انجام ، تأثیر
Effective	موثر
Effectively	به طور موثر
Effectiveness	تأثیر
Effectiveness	تأثیر بخشی
Efficient	کارایی
Effort	اقدام
Either	هر کدام
Element	عامل
Embarked	شروع کردن ، مبادرت
Emergency	اضطراری
Emergency	اضطراری
Emotions	هیجانات
Emphasises	تأکید
Emphasises	تأکید
Emphasises	تأکید
Employer s	کارفرما
Empty	خالی
Enable	قادر ساختن
Enables	اختیار دادن ، قادر ساختن
Enabling	قادر ساختن
Enacted	تصویب شدن
Encompassing	شامل شدن
Encouragement	تشویق
Encouragement	تشویق

Endanger	به خطر انداختن
Enforceable	قابل اجرا
Enforceable	قابل اجرا
Enforced	قابل اجرا
Engage	درگیر شدن ، متعهد کردن
Engage	دست زدن
Engaged	داخل شدن
Enhances	آگاهی
Entered	ورود
Entering	ورود
Enters	وارد شدن
Entitled	ذیحق
Entry	ورود
Environmental	محیط زیست
Epilepsy	صرع
Epilepsy	صرع
Equivalent	معادل ، برابر
Erlier	قبلا
Escape	فرار
Essential	اساسی
Essential	ضروری
Essentially	عمدتا
Essentially	واقعا
Establish	اثبات- احراز
Establish	احراز کردن- اثبات
Established	احراز ، اثبات
Establishing	اثبات ، احراز
Evading	فرار
Evading	فرار ، اجتناب
Evading a liability by deception	
Evaluate	ارزیابی
Evasion	فرار ، اجتناب
Even	حتی
Evolved	برآمده
Examhned	بررسی کردن

Except	استثنا
Except	استثناء
Except	استثناء
Exception	استثناء
Exception	استثناء
Exceptional	استثنایی
Excess alcohol	الکل اضافی
Excessively	به حد افراط
Excusable	قابل بخشش
Excuse	عذر ، مجوز
Exeercise	به کار انداختن
Exemption	معافیت
Exept	استثناء
Expected	انتظار
Expected	انتظار داشتن
Expected	انتظار داشتن
Expected	انتظار می رود
Expected	توقع داشتن
Expelled	جدا شدن
Expense	هزینه
Expired	انقضای مدت
Express	صریح
Express	صریح
Expressed	اظهار شده
Expressed	بیان شده
Extend	گسترش
Extended	توسعه
Extends	ادامه می یابد
Extensive	گسترده
Extent	حد ، میزان
External	خارجی
Faced	مواجه
Fact	عمل ، امر
Fact	موضوعی
Factors	عوامل

Falls	قصور
Fall	تقسیم شدن- واقع شدن
Fall	سقوط
False	متقلبانه
Fault	تخلف
Fault	تقصیر
Fault	تقصیر
Fault	خطا، تقصیر
Favour	نفع
Fear	ترس
Fear	ترس
Financial	مالی
Financial	مالی
Fine	جریمه
Fines	
Fists	مشت ها
Fixture	ثابت
Flatmates	هم اتاقی ها
Flexibility	انعطاف
Flexible	انعطاف پذیر
Flow	ناشی شدن
Focus	متمرکز
Follow	به دنبال
Following	بعدی
Following	زیر
For broader	بسیار گسترده
Force	زور
Force	زور
Force	زور
Forced	مجبور
Forced	مجبور بودن
Foresaw	پیش بینی
Foreseeable	قابل پیش بینی
Foresight	پیش بینی
Forgo	صرف نظر کردن

Forgoing	صرف نظر کردن
Form	تشکیل دادن
Form	شکل
Formation	تشکیل
Former	پیشین، تشکیل دهنده
Forming	تشکیل
Forthemore	به علاوه
Framework	چارچوب
Fraud	کلاه برداری
Frequently	اغلب
Frequently	اغلب
Fright	ترس
From	از
Fruit	میوه
Full offence	جرم تام
Function	عملکرد
Fundamental	اساسی
Fundamentally Different	
Further	بیشتر
Further	دیگر
Gained	به دست آمده
Garage	گاراژ
Garden	باغ
Gave	اعطا کردن
General	عام
General	عام
Genuinely	حقیقتاً
Gift	هدیه
Guilty	گناهکار
Governed	تعیین شدن
Governed	نظارت کردن
Governed	نظارت و کنترل کردن
Gravity	شدت
Gravity	شدت
Greenhouse	گلخانه

Grievous	شدید
Grievous	شدید
Grievous	شدید
Grivous	شدید
Grivous	شدید
Gross	سنگین
Gross	سنگین
Ground	دلیل
Ground	دلیل
Guess	حدس
Guidance	راهنما
Guide	آموزش، راهنمایی
Gun	اسلحه
Haircut	سلمانی
Hardly	به سختی
Harm	صدمه
Harm	صدمه
Harm	صدمه
Harm	صدمه
Harm	صدمه، آسیب
Harsh	خشن
Heard	استماع دادرسی
Heat	هیجان
Held	دانستن
Hence	از این رو
Highlights	برجسته
Highlights	برجسته
Highlights	برجسته
Historically	تاریخی
History	پیشینه
Home Office	وزارت کشور
Homicide	قتل نفس
Honest	درست کار
Honest	صداقت
Honestly	حقیقتاً

Hoped	امید بخش
Horrifying crimes	جرائم هولناک
Houseboat	خانه قایقی
Household	خانه
Hypoglycemic	کمی قند خون
Identifiable	مشخص
Identification	شناسایی
Identifies	مشخص کردن - تشخیص دادن
Identify	تشخیص، شناسایی
Identify	تعیین
Ignorance	ناآگاهی
Ill - will	سوء نیت
Illustrating	توضیح
Immaterial	بی اهمیت
Immediate	فوری س
Immediate	ناگهانی
Immediate	ناگهانی
Immediately	بلافاصله
Impact	اثر
Impaired	مختل نموده، آسیب زده
Impairment	اختلال
Impairment	نقص
Impairs	معیوب می کند
Implement	اجرا
Implement	به هر منظور
Implementing	تکمیل
Implicit	ضمنی
Implied	اشاره
Implied	ضمنی
Implied	ضمنی
Implied malice	سوء نیت ضمنی
Importance	اهمیت
Important	مهم
Imposed	تحمیل شده
Imposition	وضع

Imposition	وضع کردن
Impotent	ناتوان
Imprisonment	حبس
Impulse	انگیزه ناگهانی
In order	به منظور
Incapacity	
Incapacity	عدم اهلیت
Inchoate offences	جرائم ناقص
Incidental	اتفاقی
Incidental	لازمه
Incite	تحریک کردن
Incitement	
Incitement	تحریک
Incitement	تحریک، اغوا
Include	شامل
Including	از جمله
Inclusion	شمول
Inconsistencies	عدم تطابق
Incorporate	تشکیل دادن
Incorporated	ترکیب کردن
Increase	افزایش
Indecent	ناشایست
Independent	مستقل
Indicate	اشاره کردن
Indicates	نشان دادن، دلالت
Indictable offence	جرم قابل تعقیب
Individual	خاص
Individual deterrence	
Induce	ارائه دادن
Induced	ایجاد شده
Inducing	القا کردن
Infanticide	بچه کشی
Infer	استنباط
Infirmity	معلولیت
Inflict	ضربه وارد آوردن
Inflict	وارد کردن، ایراد

Inflicted	اثر گذار بودن
Inflicting	ایجاد
Inflicting	ایراد، وارد کردن
Inflicting	ضربه وارد کردن
Infliction	ضربت زدن
Infliction	وارد کردن
Influence	اعمال نفوذ
Influence	تأثیر
Informing	آگاهی دادن
Inherent	ذاتی
Inhibitions	موانع
Initially	ابتدا
Injury	آسیب
Inner	داخلی
Innocent	بی گناه
Innocently	بی تقصیر
Inquiry	بازجویی س
Insane	مجنون
Insanity	
Insanity	جنون
Insanity	جنون
Instances	نمونه
Instigate	انگیختن
Instigation	تحریک
Instigation	تحریک
Institutions	موسسات
Intangible property	حقوق دینی
Intended	در نظر گرفتن
Intended	قصد
Intended	قصد داشتن
Intended	قصد داشتن
Intended to	به منظور
Intending	قصد
Intends	قصد
Intends	قصد داشتن

Intent قصد
Intent قصد
Intention
Intention to permanently deprive
Intentional ارادی
Intentionally عامدانه
Intentionally عامدانه
Intentionally عمدا
Interest منافع
Interest منفعت
Interfering دخالت
Internal درونی
Internal درونی
Interpretation تفسیر
Interpreted گونه ها
Interpreting تفسیر
Interpreting تفسیر
Intervene مداخله
Intervent مداخله کردن
Intervente دخالت
Intervention Alternatively شق دیگر مداخله
Intoxicated مستی
Intoxicating مست کننده
Intoxication
Intoxication مستی
Intoxication مستی
Introduced ارائه شدن
Introduction
Introduction
Introduction
Introduction مقدمه
Introduction مقدمه
Invest اعطا کردن
Investment سرمایه گذاری
Involuntary Manslaughter – Criticisms and Reforms
Involantry غیر ارادی
Involuntary intoxication

Involuntary manslaughter
Involved شامل شدن
Irrelevant نامربوط
Irresistible مقاومت ناپذیر
Is a legal,s مفهوم حقوقی
Issue موضوع
Issues موضوع
Issues موضوع
Item فقره
Joined ملحق شدن
Joint enterprise
Judicial قضایی
Judiciary قوه قضائیه
Jury هیئت منصفه
Just عادلانه
Justice عدالت
Justification توجیه
Justified بی گناه
Justified توجیه شدن
Justified قابل توجیه
Justified قابل توجیه
Justified قابل توجیه
Justified مجاز دانستن
Justified موجه
Justified موجه
Keeping نگه داشتن
Keeping نگهداری ، توافق
Key points
Killer قاتل
Killing by gross carelessness
Kind نوع
Knowing آگاهی
Known معروف ، دانستن
Labels برچسب
Lack فقدان
Lack فقدان

Lack of congruence	عدم تطابق
Land	زمین
Law- abiding mainstream of society	
Lawful arrest	بازداشت قانونی
Legislation	قانون
Legislative	قانونی
Legislative	قانونی
Lending	قرض گرفتن
Length	مدت
Lenient	ملایم تر
Less	کمتر
Let	مورد اجاره
Liability	مسئولیت
Liable	مسئول
Libel	افترا
Liberty	قائل شدن
Life imprisonment	حبس ابد
Life imprisonment	حبس ابد
Light	در نظر گرفتن
Likelihood	احتمال
Likely	احتمال
Likely	احتمالی
Limb	عضو
Limited	محدود
Link	مرتبط شدن
Local	محلی
Longer holds	در نظر گرفتن
Longer term	مدت طولانی تر
Lose	از دست دادن
Loss	اتلاف
Lowful arrest	بازداشت قانونی
Maintain	حفظ
Maintaining public confidence	
Majority	اکثریت
Majority	اکثریت
Making	بدست آوردن

Making off without payment	
Malice	سوء نیت
Malice aforethought	سبق تصمیم توأم با سوء نیت
Malicious	عامدانه ، همراه با سوء نیت
Man	بشر
Management	مدیریت
Mandatory	اجباری
Mandatory	اجباری
Mandatory	اجباری
Manner	عمل ، رفتار
Manslaughter	
Manslaughter	قتل غیر عمد
Manslaughter	قتل غیر عمد
Material	اساسی
Material	مهم
Matter	موضوع
Matters affecting	موضوعات موثر
Meal	غذا
Medical	پزشکی
Medical	پزشکی
Medication	دارو
Medication	دارو
Meet	مناسب ، مقتضی ، حصول
Members	اعضا
Menacing	تهدید آمیز
Mental	روانی
Mental gymnastics	تمرینات ذهنی
Mercy killing	کشتن دلسوزانه
Mere	صرف
Merely	صرفاً
Met	حامل می شود
Might	ممکن
Mind	روان
Minimal	حد اقل
Minimum and Mandatory Sentences	
Minor injury	آسیب جزئی

Minors	صغار
Miscellaneous sanctions	
Misleading	گمراه کننده
Mistake	
Mistake	اشتباه
Mistake of law	اشتباه حکمی
Mitigating	مخففه
Moment	لحظه ای
Moral	اخلاق
More certain	قطعی تر
Motive	انگیزه
Moves	تغییر مکان
Murder	
Murder	قتل عمد
Murder	قتل عمد
Murder	قتل عمد
Murderous	جنایت آمیز
Nature	ماهیت
Nature	ماهیت
Necessity	
Necessity	ضروری
Negate	خنثی کردن
Negative	منفی
Negligence	غفلت
Negligence	غفلت
Negligible	ناچیز - جزئی
Neutralise	خنثی، سیاست بی طرفی
Non - Insane	غیر مجنون
Non - Insane Automatism	
Non- fatal	غیر مهلک
Non insane	غیر مجنون
Non-compliance	عدم اطاعت
Not form	تشکیل ندادن
Not taking	مصرف نکردن
Notice	اطلاعیه
Noticeable	قابل توجه
Notion	تصور، نظریه

Notion	نظریه
Notwithstanding	با وجود اینکه
Objectionable	قابل اعتراض
Objective	عینی
Objective	نوعی
Objective	نوعی
Obligation	تعهد
Obligations	تعهدات
Oblique intent	قصد غیر مستقیم
Obtain	دریافت کردن، به دست آوردن
Obtaining	به دست آوردن
Obtaining	تحصیل
Obtaining	تحصیل، به دست آوردن
Obtaining services by deception	
Obtaining	تحصیل
Obvious	آشکار بودن
Obvious	بدیهی
Obviously	بدیهی
Occasioning	انگیختن
Occur	اتفاق افتادن
Occurred	اتفاق افتاد
Offence	جرم
Offence	جرم
Offence demands	الزامات جرم
Offender	مرتکب، مجرم
Offenders	مجرمین، مرتکبین
Offenders	مجرمان
Official statistics	آمار رسمی
On the spot	در محل پرداخت
Operate	موثر
Operate	موثر
Operation	اثر، کارکرد
Operation	عملکرد، بهره برداری
Opportunistic	فرصت طلب
Opportunity	فرصت

Options	اختیارات
Options	گزینه
Ordinary	عادی
Ordinary	عادی
Ordinary standards	معیارهای عادی
Organisation	سازمان
Other wise	در غیر این صورت
Ought	بایستی - باید
Outcome	نتیجه
Outer	خارجی
Outlined	سرفصل
Outlined	فهرست شده
Outrage	تباهی، جریحه دار کردن
Outright	کامل
Outset	از ابتدا
Outweighs	مهم تر
Over - Emphasise	تأکید زیاد
Overarching	پوشش دهی
Overcome	غلبه
Overcome	غلبه کردن
Overdose	زیاد - افراطی
Overlap	اشتراک
Owed	انجام شود
Ower ship	مالکیت
Own conduct	رفتار خودش
Owner	مالک
Ownership	مالکیت
Paid	پرداخت
Panic	اضطراب
Parliament	پارلمان
Part	بخش
Partial	ناقص
Participation	
Participation	مشارکت
Particular	خاص

Particular state	حالت خاص
Particularly	به ویژه
Particularly	ویژه
Partly	تا اندازه ای
Partners	همسران
Parts	بخش، پاره
Pass	بلیط
Pass	بلیط
Pass	صادر کردن
Pawns	اجرا کردن
Pay	پرداخت
Paying	پرداخت
Payment	پرداخت
Payment	پرداخت
Penalty	مجازات
Percent	درصد
Perception	ادراک
Perception	ادراکی
Peresent	کنونی
Perform	جدا کردن، رها کردن
Permanent	دائم
Permanent default	نکول دائمی، قصور دائمی
Permanently	دائمی
Permanently	دائمی
Permanently deprive	محروم ساختن همیشگی
Permission	اجازه
Permitting	اجازه
Permitting	توقیف کردن، اجازه دادن
Personal	غیر منقول
Persuades	وادار کردن
Persuasion	وادار کردن
Phrase	عبارت
Picked	چیدن
Pickpocket	جیب بر
Placed	موقعیت

Placing	قرار می دهد
Planned	طراحی شده
Point	عقیده
Policing	برقراری نظم در جامعه
Policy	سیاست
Policy	سیاست
Policy	سیاست
Political	سیاسی
Police officer	مأمور پلیس
Pollution	آلودگی
Popular	مشهور - رایج
Position	دیدگاه
Position	نظریه
Position	نظریه
Position	وضعیت ، شرایط
Positive	مثبت
Possession	برداشتن ، تصرف
Possession	تصرف
Possession	تملك
Possession	متصرف
Possession	متصرف
Potent	قوی
Potential	توانایی
Potentially	بالقوه
Power	قدرت
Powers	اختیارات
Powers	قدرت ، اختیارات
Practice	عرف
Precautions	اقدام احتیاطی
Precede	مقدم بودن
Preceived	در نظر گرفتن
Precise	دقیق
Precise scope	قلمرو پرونده
Predisposition	تمایل
Preliminary	مقدماتی

Preliminary offences	جرایم مقدماتی
Premeditation	سبق تصمیم
Preparation	مقدمات
Preparatory	تدارک
Prescribed	تجویز
Prescription	نسخه
Presence	وجود
Present	ارائه دادن
Present	فعلی
Present law	قانون لاحق یا فعلی
Preserve	حفظ کردن
Pressure	فشار
Presumed	فرض می شود
Presumption	فرض
Prevent	مانع ، باز می دارد
Prevent	مانع شدن
Prevent	ممانعت
Preventing	مانع شدن
Prevention	جلوگیری
Prevention	جلوگیری
Previous convictions	محکومیت های قبلی
Price	ارزش ، قیمت
Prima facie	نظر اول
Primarily	اساسا
Primarily	اساسا
Primary	اصلی
Principal	اصلی
Principal maxim	اصل بنیادین
Principal offenders	مجرمان اصلی
Principle	اصل
Principles	اصول
Prior	قبل
Prison population	جمعیت زندانی ها
Probation	تعليق
Problematic	مبهم

Process	روند
Procured	تحصیل، به دست آوردن
Procures	تهیه و تدارک کردن
Procuring	تدارک
Procuring	تهیه و تدارک
Produce	ارائه
Professional	حرفه ای
Promptness	
Proof	اثبات
Proof	اثبات
Proper	مناسب
Properly	به طور صحیح
Properly	به موقع
Properties	ویژگی ها
Property	
Property	اموال
Property	اموال
Property	اموال، دارایی
Proportionality	تناسب
Proportionality	تناسب
Proportionality	تناسب
Proportionality	تناسب
Proportionate	متناسب
Proposals	پیش نویس
Proposed	پیشنهاد شدن
Proposed	پیشنهادی
Proposed reforms	اصلاحات پیشنهادی
Proprietary right	حق تقدم
Proprietary right or interest	
Prosecute	تعقیب
Prospect	جنبه، انتظار
Protect	حفظ
Protect	حمایت
Protect	حمایت
Protect	محافظت
Prove	اثبات

Provid	مشروط
Provide	ارائه
Provide	ایجاد کردن
Provide	پیش بینی، تدارک
Provided	ارائه دادن - تهیه کردن
Provided	مشروط
Provided	مشروط به اینکه
Provision	شرط
Provocation	
Provocation	تحریک
Provocation	تحریک
Provocation	تحریک
Provocative	محرک
Psychiatric	روحي
Psychiatric	روحي
Psychological	روانی
Public	عمومی، اجتماع
Public confidence	اعتماد عمومی
Public confidence	اعتماد عمومی
Publicity	
Published	منتشر کردن
Punch	مشت زدن
Punishable	قابل مجازات
Punished	مجازات
Punishment	مجازات
Pure	محض
Purpose	هدف
Pursuance	پیرو
Pursuance	پیرو
Pursuance	تعقیب
Pursuance	تعقیب
Pursue	اعمال
Pursuit	تعقیب
Put	قرار دادن س
Putting	قرار دادن
Quality	چگونگی

Quality	شرایط ، چگونگی
Quasi-crime	شبه جرم
Queen,s peace	صلح عمومی
Question	مسأله
Question	موضوعی
Quite	درست ، کامل
Racially	مسأله نژادی
Racially	مسأله نژادی
Racially	مسأله نژادی
Raise	مطرح کردن - اقامه کردن
Raises	مطرح شدن
Raises	مطرح کردن
Raising	بالا آوردن
Range	محدوده
Range	محدوده ، دامنه
Rapidly	سریعا
Rarely	به ندرت
Rates	زود رس
Rather	ترجیها
Rather than	به جای اینکه
Ratio	دلیل
Reached	دست یافتن
React	عکس العمل
Real	(منقول اصطلاحا)
Reason	استدلال
Reason	استدلالی
Reasonable	متعارف
Reasonable	متعارف
Reasonableness	معقولیت
Reasons	دلایل
Rebut	رد کردن
Receives	دریافت کردن
Reckless killing	
Recklessness	بی مبالاتی
Recklessness	بی مبالاتی ، بی احتیاطی

Recognised	به رسمیت شناختن
Recognised	مورد تأیید قرار دادن
Recognized	شناخته شده
Recommendations	پیشنهاد
Recommendations	پیشنهادها
Reconviction	محکومیت مجدد
Rections	عکس العمل ها
Reducing	کاهش
Reduction	کاهش
Reduction	کاهش
Referred	اطلاق می شود
Referred	دانسته شده
Refers	اشاره کردن
Refers	اطلاق کردن
Refers	مربوط بودن
Refers	مطرح کردن
Reflect	منعکس کردن
Reflect	منعکس کردن
Reflection	عکس العمل
Reform	اصلاح
Reform	اصلاحات
Reforms	اصلاحات
Reference	مراجعه
Regard	در نظر گرفتن
Regarded	در نظر گرفتن
Regarded	لحاظ می شود
Regarded	محسوب شدن ، قلمداد کردن
Regarding	تلفی کردن ، قلمداد کردن
Regarding	در خصوص
Regarding	در خصوص
Regarding	در خصوص ، قلمداد کردن
Regarding	در رابطه
Regarding	در مورد
Regarding	درباره
Regardless	بدون توجه

Regime	رژیم
Regulated	تنظیم
Regulatory	امور تنظیمی
Rehabilitating	اعاده وضع
Rehabilitation	
Rehabilitation	اعاده وضع
Relating	مرتبط ، راجع به
Relation	ارتباط
Relationship	ارتباط
Relative	خویشاوند
Relative	نسبی
Release	آزادی
Release	آزادی
Release	بخشیدن
Relevant	مربوط
Relevant	مربوط
Relevant	مربوط ، مناسب
Relevant	مربوط بودن
Relive	رها کردن - تسکین دادن
Reluctance	اکراه ، بی میلی
Reluctance	عدم تمایل
Rely	استناد کردن
Remain	باقی ماندن
Remain	کماکان
Remedy	جبران
Remote	فاصله
Removed	از بین
Re-offending	تکرار جرم
Repairs	تعمیرات
Repel	دفع
Replace	جایگزین
Report	گزارش
Report	گزارش
Report	گزارش
Reports	گزارشات

Represent	ایجاد کردن
Representation	اظهار
Representative	نماینده
Representative	نماینده
Represents	نشان دادن
Required	لازم
Requiring	ملزم کردن
Residential	مسکونی
Resist	مقاومت کردن
Resolve	حل کردن
Respect	جنبه
Respects	جهات
Responded	واکنش
Responded	عکس العمل
Response	واکنش
Response	واکنش
Response	واکنش
Responsibility	مسئولیت
Responsibility	مسئولیت پذیری
Responsible	مسئول
Responsible	مسئول
Responsible	مسئول
Restoration	اعاده
Restriction	محدودیت
Resulting	منتج شدن
Retain	نگهداری
Retain	نگهداری
Retarded	عقب افتاده
Retreat	عقب نشینی
Retribution	کیفر
Retribution	کیفر ، جزا
Retributive	کیفری
Return	اعاده ، برگرداندن
Returning	پس دادن ، برگرداندن س
Returns	برگرداندن

Reveal	نشان دادن
Revealed	آشکار کننده
Revenge	انتقام
Revenge	انتقام گیری
Reversed	برگشت پذیر ، نقض شد
Review	تجدید نظر
Review	تجدید نظر
Revision	بازنگری
Rights	حقوق
Rise	مطرح شدن - باعث شدن
Rise	مطرح کردن
Risk	خطر
Robbery	
Robbery	راهزنی
Robbery	سرقت
Robbery	سرقت
Rough	خشن
Rules	قاعده ، مقررات
Said	گفته شده
Same	همان
Sanction	مالی جریمه ، مجازات
Sanctions	مجازات
Satisfy	ارضاء کردن
Satisfy	پاسخ دادن
Satisfying	متقاعد کردن یا بر آوردن
Scope	قلمرو
Scope	قلمرو
Scrum	بازی فوتبال
Secondary	فرعی
Secondary	فرعی
Secondary offenders	مجرمین فرعی ، تبعی
Secondary participation	
Section	بخش
Securing	تضمین
Security	امنیت
Sedative	آرام بخش

Seeking	به دنبال
Seeking	جستجو
Seeking	در جستجو
Seeking	در صدد بر آمدن
Seem	به نظر رسیدن
Self – defence	
Self – Defence	دفاع از خود
Self – defence	دفاع مشروع
Self – induced	رفتار خودش
Sells	فروختن
Sells	فروختن
Sense	مفهوم
Sense	مفهوم
Sentence	حکم
Sentence	حکم
Sentence	حکم
Sentencing	حکم
Sentencing	محکومیت
Sentencing	محکومیت
Separate	جدا گانه
Series	یک سری - دسته
Serious	جدی
Serious	جدی ، مهم
Serves no	فاقد
Services	خدمات
Settled intention	قصد ثابت
Severe	شدید
Severed	جدا شده
Severity	شدت
Severity	شدت
Sexual intercourse	مقاربت جنسی
Shall	بایستی
Sharing	جدا
Sharing	داشتن
Shed	سر پوشیده

ShopFloor	فروشگاه
Shopper	خریدار
Shoulder	شانه
Shouts	داد زدن
Show	اثبات کردن
Significant	قابل ملاحظه
Significant	مهم
Significant departure	انحراف قابل توجه
Similarities	شبهات ها
Similary	همین طور
Simply	به آسانی
Simply	واقعی
Since	بعد از
Single	واحد و تنها
Single transaction	عملیات واحد
Situation	وضعیت
Situations	شرایط
Situations	موقعیت ها
Sleep walking	راه رفتن در خواب
Slight	جزئی
Slight	ناچیز
Sober	هوشیار
Social	اجتماعی
Sole	تنها
Some definition	
Somewhat	نسبتاً
Somnambulism	خواب گردی
Sought	مقصد
Source	منشأ
Space	فضا
Spacific offence	جرم خاص
Special Verdict	حکم خاص
Specific intent	قصد خاص
Speech	گفتاری
Spends	خرج کردن

Spouse	همسر
Stablizing	متعادل کننده
Stages	مرحله
Stages	مرحله
State	حالت
State	حالت - کیفیت
State	وضعیت ، حالت
Stated	اظهار داشت
Stated	اظهار داشت
Stated	اظهار نمود
Stated	بیان شده
Status	وضعیت ، حالت
Statutory	قانونی
Statutory	قانونی
Statutory force	اعتبار قانونی
Steal	سرقت
Stealing	سرقت کردن
Stigmatisation	بد نامی
Still	کماکان
Stockroom	انبار
Stolen	سرقت
Stranger	نا آشنا
Strangers	غریبه
Strategies	راهبرد ها
Strategies	راهبردها
Straw	جزیی
Strength	قدرت
Strict	مطلق
Strict liability	مسئولیت مطلق
Strict Liability	مسئولیت مطلق
Strict Liability in the Criminal Law	
Strikes	برخورد کردن
Striking	ضربه
Stronger	قوی تر
Structure	منضمات

Stuck	گیر افتادن
Subject	تابع ، مشمول
Subject	تابع ، موضوع
Subjective	ذهنی
Subjective	ذهنی
Subjective	شخصی
Subjective	شخصی
Subjective	شخصی
Subjective recklessness	
Subsequent	بعدی
Subsequent	بعدی
Subsequent response	واکنش بعدی
Subsequently	بعدا
Subsequently	بعدا
Substance	ماده
Substance	ماده
Substance	ماده
Substance	مال ممنوع شده
Substantial	اساسی
Substantial	اساسی ، قابل توجه
Substantially	اساسا
Success	موفقیت
Successfully	موفقیت آمیز
Sudden	ناگهانی
Suffered	رنج بردن
Suffering	درد و رنج
Suffering	رنج بردن ، مبتلا بودن
Suffering	مبتلا ، دچار بودن
Suffering	مبتلا شدن ، دچار شدن
Suffers	متحمل شدن
Sufficient	کافی
Sufficient	کافی
Sufficient	کافی است
Sufficiently	به اندازه کافی
Suicide pact	پیمان خودکشی
Suicide pacts	

Summary	اختصاری
Supplied	کالای ارائه شده
Supplies	تهیه کننده
Supremely	در حد اعلا
Surgical	جراحی
Surrounding	پیرامون
Suspected	مظنونین
Sustain	حمایت
Sustained	ضربات وارده
Switching	راه گزینی ، به دنبال
Sympathy	همدردی
Taken	گرفتن
Takes	در معرض قرار دادن
Tangible property	اموال عینی
Taunted	سرزنش
Temporary	موقت
Temporary	موقت
Temporary	موقت
Tenant	مستأجر
Tended	تمایل
Term	مدت
Termed	نامیدن
Termed	نامیده شدن
Terms	اصلاحات
Terms	دوره
Test	معیار
The subjective element	
The transaction principle	اصل رابطه
Theft	
Theft	سرقت
Theft	سرقت
Thereby	به وسیله آن
Thief	سارق
Thief	سارق
Thierd party	شخص ثالث
Though	اگر چه

Thought	تفکر، تصور
Thought	فکر
Threat	تهدید
Threatner	تهدید کننده
Threats	تهدید
Throgh	به خاطر
Through	به خاطر
Throuh out	سر تا سر
Throws	پرتاب کردن
Thump	ضربت
Timetable	جدول زمانی
To go free	برای آزاد شدن
Too	زیاد
Too broad	بسیار وسیع
Took	اتخاذ کردن
Tortious	مدنی - شبه جرم
Totally	مطلقا، کامل
Tougher	سخت تر
Towards	به سمت
Traditionally	کلاسیک
Trafficking	قاچاق
Training	آموزش
Transaction	ارتکاب
Transfer	انتقال دادن
Transferred Malice	
Transfers	انتقالات
Transmission	انتقال
Treasured	اندوخته
Treated	پیرو
Treated	عمل کردن
Treatment	درمان
Treatment	درمان
Treatment regime	رژیم درمانی
Treats	در اختیار داشتن
Trespasser	متجاوز

Tried	محاكمه
Trips	به اشتباه انداختن
Trivial	جزئی
Trivial	جزئی
True	صحت
Trust	تراست
Trustee	امین، متولی، تراست
Trustee	تراستی
Type	نوع
Type	نوع
Ultimately	در نهایت
Un broken	پیوسته
Unconscious	بیهوش
Understood	درک کردن
Undesirability	نامطلوب
Undesirable	نامطلوب
Undisplied	بی نظمی
Undue	ناروا
Unequivocal	روشن
Unfortunately	متأسفانه
Universal	عمومی
Unjust	غیر منصفانه
Unjustified	غیر موجه
Unknown	نا شناخته
Unlike	بر خلاف
Unlikely	بعید بودن
Unlikely	بعید بودن
Unpredictable	غیر قابل انتظار
Unsustainable	ناپایدار
Unusual	غیر معمول - غیر طبیعی
Unworkable	غیر عملی
Upon	قرار گرفتن، بر روی
Use force	توسل به زور
Valid	معتبر
Value	اعتبار

Variants	انواع
Varies	تغییر کردن
Various concerns	نگرانی های مختلف
Vehicle	وسیله نقلیه
Verdict	حکم
Vessel	کشتی
Vice versa	برعکس
Vice versa	برعکس
Victim	قربانی
View	قصد
View	ملاحظه کردن
View	نظر
Violence	خشونت
Violence	خشونت
Violent	خشونت
Violent	شدید
Violent	شدید
Violent protest	اعتراض خشونت آمیز
Vital	اساسی
Vital	ضروری
Voluntary	ارادی
Voluntary	ارادی
Voluntarily	اختیاری ، ارادی
Voluntary	ارادی
Voluntary intoxication	
Voluntary manslaughter	
Wages	دستمزد
Wait for	صبر کردن
Waiter	پیش خدمت
Watches	دیدن
Way	جهات
Way	روش
Weaknesses	ضعف
Weekly	هفتگی
Weight	اهمیت ، سنگینی
Wheel	چرخ وار

Whereas	در جایی که
Whereas	در حالی که
While	در حالیکه
Wholly	کاملا
Why	چرا
Willed	عمدی
Willpower	نیروی اراده
Wishes	مایل بودن
Withdrawal	
Within	در طول
Without	بدون
Womb	رحم
Wording	نحوه بیان
Wounding	ارتکاب
Wounding	ضرب و جرح
Writing	نوشتاری
Wrong	اشتباه
Wrong	اشتباه
Yet	در عین حال